

## قزوین

دکتر خسرو مراثی

حفاریه‌های محدود انجام شده و آثار بدست آمده از اطراف شهر قزوین نشان دهنده آن است که در هزاره ۶ چهارم پیش از میلاد منطقه قزوین یکی از مراکز تمدن بوده و زندگی و پیشرفت انسان در این منطقه تداوم داشته است. ونیز در دوران مادها شهری آباد بوده است. مردم این شهر در دوران هخامنشی در تاریخ حضور داشته و به شجاعت معروف بوده‌اند. علیرغم این سوابق بنا به نوشته کتب جغرافیائی دوران اسلامی شهر قزوین بدست شاپور اول یا شاپور ذوالکتاف بوجود آمده و به نام شادشاپور نامیده می‌شده است.

امین احمد رازی در کتاب هفت اقلیم نوشته است: قزوین از شهرهای قدیم جهانست. حمداله مستوفی صاحب تاریخ گزیده و جغرافیای نزهه القلوب از کتاب البیان نقل می‌کند که قزوین را شاپور بن اردشیر بساکن ساخت در سبالتواریخ آمده است که چون شاپور ذوالکتاف از زندان قیصر به کمک و مدد گنیزی که بدو عاشق شده بود لاریخت تا زمین قزوین هیچ

جا آرام نگرفت و در آن وقت باغی کوچک و هومعد یزادن پرستی بود، چون در آن زمین لشکر بدو پیوست هر آیند آن محل را بر خود مبارک دانستند و فرمود تا آنجا شهری بنا نهادند و آغاز عمارت قزوین در ماه ایسام شصت و سه اسکندری بود چنانچه صد و چهل و یکسال از تاریخ هجرت پیش بوده است. حمزه اصفهانی را اعتقاد این است که در زمان بهرام اول بنا شد است بعضی گفته‌اند که یکی از اگاسرد لشکریه جنگ دیلمان فرستاده بود و در صحرائ قزوین صف قتال داده سپهدار اگاسره در صف لشکر خلیل دید بنا یکی از اتباع خود گفت که آن (کش دین) یعنی آن گج نگر و لشکر راست کن، چون از آن جانب فتح رویداد هر آینه در آن موضع شهری بنا گردد و موسوم به گشدین گزدانیدد عرب معرب ساختد قزوین خواندند این فقیه گوید: نخستین کسی که قزوین را بنیاد کرد شاپور ذوالکثاف بود.

این کتاب گفته است تفسیر آن (قزوین) حد مروق است یعنی طرفی که زاوار نیست محمل گذارده شود. و از آن غفلت شود.

محمد حسنخان اعتمادالسلطنه در کتاب مرآت البدان کوید قزوین را شاپورین اردشیر بساگان ساخت و شادشاپور نام نهاد.

داوود بن سلیمان غازی قزوینی از علی بن موسی الرضا از پدرش و پدرش از خاتم الانبیاء (ص) روایت کرده است که پیغمبر اکرم فرمود "قزوین باب من ابواب الجنة" گرچه کتب فتوح و تواریخ اسلامی فتح شهر قزوین بدست مسلمانان را در دهه سوم هجری ذکر کرده‌اند ولی با مراجعه به کتب دیگر از

جمله کتاب ابن اسفندیار و سایر مطالب کتب تاریخی دوره اسلامی ساکنین قزوین متشکل از دیلمی‌ها بوده و در این دوره شهر قزوین در ۲۴ هجری قمری به تصرف مسلمین درآمد و این شهر یکی از مراکز منازعه دیلمی‌ها بوده است. سال ۱۷۰ هجری بدستور خلیفه عباسی شهر جدید را در نزدیکی شهر قدیمی بوجود آوردند و در زمان هارون الرشید حصار در شهر ایجاد کردند. معتمد عباسی این منطقه را به یکی از افراد مورد اعتماد خود واگذار نمود و آنها ۲۰۰ سال در این منطقه حکومت کردند. از نکات قابل ذکر در مورد قزوین می‌توان به حکومت طولانی خانواده جعفری یعنی فرزندان جعفر طیار در این شهر اشاره کرد.

ناصر خسرو در سال ۴۲۷ از شهر قزوین دیدن کرده است و در بساره این محل آورده است: و باغستان بسیار داشت و دیوارها و خارپیچها مانعی برای دخول در باغات آن نبود و قزوین را شهری نیگو دیدم باروشی حمین و گنلرهبها برآن نهاده و بازارهای خوب مگر آنکه در وی اندک بود.

یکی دیگر از ادوار ترقی این شهر مربوط به زمان سلجوقیان است قزوین به دلیل موقعیت استراتژیکی خاص و قرار گرفتن در نزدیکی به مرکز حکومتی گیلان-دیلمان و شمیران حائز اهمیت بوده و دولت مرکزی توجه خاصی به این شهر داشته تا بتواند این منطقه مرزی را که به عنوان اسلامی شناخته میشد حفظ نمایند. اسماعیلیه در این شهر طرفداران بسیار داشتند و به کمک آنها توانستند برنامه‌های خود را عملی کنند به هر حال سلجوقیان و اسماعیلیه بیشتر در نبرد بودند. محمد خوارزمشاه مدتی را در قزوین ماند.

قزوین مورد حمله مغولان قرار گرفت و ویران گردید و  
بسالخره ۶ سال بعد هلاکوخان برای تصرف قلاع اسماعیلیه به  
قزوین آمد که در پی آن آسیب‌های فراوانی به شهر و مردم آن  
وارد گردید. ولی در دوران بعد از هلاکو بخصوص پس از  
انتخاب سلطانیه به پایتختی ایلخانان ایران مجدداً "رو به  
آبادی گذاشت و بار دیگر این شهر تبدیل به شهری تجاری و  
ارتباطی شد.

در فاصله بین حکومت مغولان تا دوره صفویه قزوین یکی از  
دورانه‌های پراشوب خود را پشت سر نهاده است در این دوره  
حکام گیلان، عراق عجم، آذربایجان و حتی خراسان برای تصرف  
آن و حکومت بر این منطقه به جدال برخاسته و در مواردی  
تلفات و خسارات سنگینی به قزوین وارد نموده‌اند. طی این  
دوران قزوین مرتباً دست به دست می‌شده بنحویکه حکومت  
برخی از آنها در قزوین به چند ماه یا هفته محدود می‌شده  
است و در زمان صفویه بعد از جنگ چالدران (۹۳۵ ق) این  
شهر مورد توجه قرار گرفت و در سال ۹۶۲ تصمیم انتقال  
پایتخت از تبریز به قزوین گرفته شد و در سال ۹۶۶ رسماً  
پایتخت کشور شد.

حمداله مستوفی دروازه‌های شهر را به نامهای :

۱- دروازه ابهر - دروازه ارداق - دروازه ری - دروازه  
صامعان - دروازه دستجرد - دروازه اوجوش و دروازه درج نام  
برده است.

در زمان صفویه از دروازه‌هایی به نامهای دروازه ری -  
دروازه پنبهریسه - دروازه معلادک - دروازه ابهر - دروازه  
پسندعلی - دروازه کوشک - دروازه گسندیار و دروازه

شاهزاده حسین نام برده شده است.

در دوران شاه عباس اول پایتخت از قزوین به اصفهان انتقال پیدا کرد ولی باز از شهرهای مهم کشور بود. در حمله افغانها به ایران قزوین مورد حمله قرار نگرفت ولی اوضاع زمانه صدمات زیادی به این شهر وارد کرد. گلاویجو سفیر پادشاه گاستیل (اسپانیا) در ۱۴۰۵ در سفرنامه خود آورده است.

"در این جا بیشتر خانه‌ها روبه ویرانی گذاشته است و سابق تعداد منازل این شهر از همه بلادی که در آن حدود دیدیم به جز تبریز و سمرقند بیشتر و بزرگتر بود".

رتوماس هربرت که به این شهر سفر کرده بود در این

باره نوشته است:

(قزوین از جهت عظمت و شگوه و آبادانی به استثنای اصفهان با تمام شهرهای بزرگ ایران برابری می‌کند) مافهرینی که در دو قرن گذشته از این شهر دیدن کرده‌اند از گله‌های گورخر در اطراف قزوین سخن گفته‌اند.

در قرن ۱۳ هجری قمری این شهر به زندگی آرامی ادامه می‌داد تا اینکه در جنگ جهانی اول مورد حمله سپاه روس و سپاه انگلیس قرار گرفت و آسیب فراوانی دید.

بار دیگر در جنگ جهانی دوم با حمله سپاه شوروی آسیب‌های زیادی را بر خود دیدند تنها آسیب‌های ناشی از مشکلات سیاسی، نظامی صدمات زیادی را بر این شهر تاریخی وارد کرده، بلکه زلزله‌های بیشماری که تاریخ برخی از آنها در زیر آورده شده در این امر تاثیر داشته است که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱- در شب ۵ رمضان (۱۳۵۱۳ ه. ق) در منطقه قزوین زلزله کسان بسیاری را گشت و آسیب‌های فراوانی برجا گذاشت.

۲- در ذیقعدہ ۵۷۲ در اثر زلزله بار دیگر دستخوش ویرانی گردید.

۳- ونیز در حدود سال ۱۰۴۹ زمین لرزه در قزوین ۱۳۰۰۰ نفر را گشت.

۴- در سال ۱۳۳۹ بار دیگر زلزله به شدت قزوین را لرزاند.

۵- در ۱۰ شهریور ۱۳۴۱ همانطور که بسیاری به یاد دارند زمین لرزه‌ای در منطقه پرجمعیت جنوب قزوین (۹ روستا) بگلی ویران گرد که ۱۳۳۰۰ تن گشته و بیش از ۳۸۰۰ نفر صدمه دیدند و همانطور که گفته شد بیش از ۳۰۰ روستا آسیب دید و یا بگلی ویران شدند و در ۱۸۰ روستا تلفاتی به بار آمد.

از مناطق بسیار آسیب دیده قزوین و توابع و نواحی آن بوئین زهرا - رودک - ایلدرچین - وانسفهان و کوشکک و ... بوده‌اند.

با تمام گرفتاری‌ها و مشکلات سیاسی، حملات نظامی و زلزله‌های زیاد این شهر قدیمی به زندگی خود ادامه داده و حوادث زمانه را پشت سر گذاشته و مردان و زنان نام آوری در ادب و علوم هنر به جامعه ایران و جهان ارائه داده است.

اطمینان داریم با پیشرفت‌های سالهای اخیر این شهر بار دیگر مرکز مهمی برای کشور گردد و مانند گذشته افتخارش بتواند در علم و دانش و ادب و هنر، بزرگانی تربیت، و به جامعه جهانی تحویل دهد.

### جمعیت این شهر تاریخی

از برشماریهای جمعیتی رسمی ایران در ادوار قبل و بعد از اسلام اطلاع دقیقی بدست نیامد آنچه در مورد تخمینهای جمعیتی شهر قزوین بوسیله جهانگردان و سپس مراجع رسمی دولتی دربارهٔ این شهر گزارش شده بشرح زیر است.

<u>سال</u>	<u>جمعیت</u>
۱۰۲۱	۱۰۰۰۰۰
۱۱۹۱	۱۰۰۰۰
۱۲۶۸	۳۰۰۰۰
۱۲۶۹	۲۵۰۰۰
۱۲۷۷	۳۰۰۰۰
۱۳۱۶	۶۰۰۰۰
۱۳۳۵	۶۶۴۳۰
۱۳۴۵	۸۸۱۰۶
۱۳۵۵	۱۳۹۲۵۹
۱۳۶۵	۲۴۸۵۹۱
۱۳۷۰	۳۷۸۸۲۶

## منابع

- سفرنامه خانم دلاقی
- حمداله مستوفی نزهه القلوب
- سفرنامه شاردن
- سفرنامه پیتر دولا والد
- نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران بگوشش  
محمد یوسف گیانی شهر قزوین دکتر احسان اشراقی .
- مرکز آمار ایران - سازمان برنامه و بودجه
- سازمان ثبت احوال کشور - وزارت کشور

ALMANACH DE COT ra

ADRIE BALBI

سرزمین و مردم ایران:

تألیف عبدالحسین سعیدیان ۱۳۷۲

تاریخ زمین لرزه‌ای ایران نوشته ن.ن.

ترجمه ابوالحسن گرده ۱۳۷۰

مؤسسه انتشارات نگاه



С-50. Костюки — имамзадок. Monument sur la Chazadok-Kossain

صحن امامزاده حسین — نوری



50

50